

## پیشگفتار

هر فرد بیش از هر جا به «خانواده» و پدر، مادر، برادران، خواهران و دیگر اعضای آن وابسته است. پس از تشکیل و ساماندهی خانواده فرد اعم از زن یا مرد امکان بیشتری در ارتباط با دیگر افراد فامیل و جامعه (اعم از همشهریان و هموطنان) پیدا می‌کند. بدین دلیل می‌توان مدعی شد خانواده برای انسان ایرانی ضمن اینکه شرایط مناسبی در توسعه روابط اجتماعی با دیگران فراهم می‌کند، محلی امن همراه با صمیمیت است. خانواده با همه مشکلات و نارساییهایی که در پیش رو دارد حامی همیشگی اعضای خانواده است. بنابراین، نتیجه حمایت مستمر خانواده از اعضا و تعلق اعضا به خانواده به حفظ کیان آن می‌انجامد.

اختصاص دادن کتابی به جامعه‌شناسی خانواده ایرانی می‌تواند ضمن بیان وضعیت خانواده در ایران راهی در شناسایی نظام اجتماعی و فرهنگی ایران نیز باشد. زیرا با پیوستگی که این نهاد با دیگر نهادهای اجتماعی و کلیت حیات اجتماعی ایران دارد، هر نوع تحول و حادثه‌ای در هریک به تغییر در دیگری می‌انجامد.

کتاب بر اساس فهم معاصر از جامعه‌شناسی با مرکزیت مفهوم مدرنیته تهیه شده است. بدین لحاظ ضمن اختصاص فصلی به جایگاه جامعه‌شناسی خانواده در این علم، به بحث و بررسی مفهومی و تجربی در مورد سرنوشت خانواده ایرانی از تاریخ گذشته تا زمان معاصر با توجه به چالشها و تحولات آن پرداخته‌ایم. امید است مطالب کتاب بتواند راهگشای دانشجویان و محققان در حوزه جامعه و خانواده ایرانی باشد.

بسیاری در ساختن ایده «خانواده ایرانی» که در این کتاب دنبال می‌شود، مؤثر بوده‌اند. به طور خاص، تجربه زندگی در کانونی گرم و صمیمی به نام «خانه» و «خانواده»، سؤالات هوشمندانه دانشجویان رشته جامعه‌شناسی و همکاران دانشکده که در کلاس تغییرات فرهنگی سال 1379 شرکت کردند و همکاری پژوهشی با سرکار خانم مهناز زند و طاهره خزاعی دو پژوهشگر برجسته دانشگاه تهران (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) که شواهد بسیاری به لحاظ تجربی و علمی تولید کردند. اینجانب به همراه خانمها زند و خزاعی بیش از شش سال است که سرگرم مطالعه و تحقیق در مورد تغییرات خانواده هستیم. نتایج تحقیقات به دست آمده از دو طرح تحقیقی در سالهای 1380 و 1385 در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران با عنوان «تغییرات فرهنگی اجتماعی در خانواده تهرانی طی نسلهای متمادی» کمک مؤثری در دفاع از ایده تغییرات خانواده با چالشهای آن کرده است. بیشتر اطلاعات این کتاب از نتایج و یافته‌های دو طرح پژوهشی فوق که در قالب گزارش تحقیقی تهیه شده و طرح ارزشهای جهانی استخراج شده است.

### مقدمه

نهاد خانواده در کنار نهاد دین و دولت از گذشته تا کنون سازنده جامعه ایرانی است. با وجود توسعه نهادی از آغاز قرن بیستم، این سه نهاد همچنان شکل‌دهنده ساختار و روابط اجتماعی ایران‌اند. نهاد خانواده از قدیم تا عصر حاضر به لحاظ ساختاری و کارکردی اعتبار داشته و دارد. افراد در این نهاد ضمن حفظ نسل، وظیفه تربیت فرزندان و مراقبت و حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی را به عهده دارند.

در طول دو سده اخیر خانواده ایرانی در جریان نوسازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور تغییرات اساسی یافته است. تغییرات خانواده در ایران در زندگی روزمره بازتاب یافته و روان‌شناسان، علمای علوم تربیتی، تربیت خانواده، مورخان و جامعه‌شناسان نیز به آن توجه کرده‌اند که حاصل آن اصلاح نظام مفهومی در شناسایی تحولات اجتماعی ایران بوده است.

هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد. اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی، یا به واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است. با نگاهی به تاریخ ایران به این مفهوم بهتر پی می‌بریم. از طرف دیگر، خانواده نیز بیشتر از دیگر نهادهای اجتماعی متأثر از جریان تغییرات جامعه است. فرد ایرانی دور از سیاست خانه‌نشین است تا کافه‌نشین. بدین لحاظ حزب و اجتماع سیاسی نیز در حول و حوش خانواده سامان می‌یابد تا جای دیگر. به عبارت دیگر، پاتوق ایرانی نیز بسیار خانواده‌مدار و خانواده‌گراست همان‌طور که حزب ایرانی نیز خانواده‌مدار و خانواده‌گراست.

در کتاب حاضر، می‌کوشیم تا با بیان این وضعیت به دفاعی روشن از خانواده و نقد داورهای سیاسی و اجتماعی و پاسخ به ابهامات و اتهامات وارد بر آن از قبیل «فروپاشی» و «مرگ زودرس خانواده» بپردازیم؛ زیرا طرح فروپاشی خانواده در زمانی که خانواده ایرانی از این همه فشار و تنگنا به فغان آمده است، می‌تواند تا حدود زیادی عملی شود ولی عصیان و اعتراض خانواده خسته از این همه کار و وظیفه به معنی افول و سقوط آن نیست. و وظیفه ما برگرفتن بار از دوش خانواده است و نه به سلاح‌خانه بردن آن. به عبارت دیگر، اعلام خستگی خانواده به معنای طلب کمک و اصلاح اوضاع است تا سرکوب. تصور می‌کنم که زمان دفاع از خانواده فرا رسیده است. دفاعی که فضایی آرام را ایجاد کند و راهی در بازشناسی وضعیت فعلی آن باشد.

بسیاری بدون فهم دقیق از تحولات درونی جامعه و خانواده ایرانی می‌کوشند تا با به کارگیری مفاهیمی چون انحطاط اخلاقی، سکولاریسم، شکاف نسلی، فروپاشی ارزشهای اجتماعی و خانوادگی شواهدی را مبنی بر فروپاشی اجتماعی و فرهنگی ارائه دهند. بدین لحاظ توجه به آسیب‌های اجتماعی در ایران برای بسیاری مهم جلوه کرده است. تأکید فراوان بر آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی موجب شده است تا نظام مفهومی فروپاشی اجتماعی مطرح شود. چون اساس بررسی آسیب‌شناختی خانواده ریشه در تقلیل‌گرایی دارد، نقد روش تقلیل‌گرایانه ضرورت دارد. از طرف دیگر، تأکید واقع‌بینانه بر خانواده ممکن است به نقد نگاه تقلیل‌گرایانه و در نهایت نقد رویکرد آسیب‌شناختی و نقد بحران اخلاقی و ارزشی و اجتماعی در خانواده بینجامد. حاصل این کار دستیابی به واقع‌گرایی و تأکید بر تغییرات فرهنگی و ساختاری در خانواده ایرانی است.

منشأ اصلی در توجه به مطالعه خانواده به اهمیت این نهاد اجتماعی در ایران و ضرورت تحلیل جامعه‌شناختی جامعه ایرانی باز می‌گردد. اهمیتی که مسائلی چون خانواده در حیات ایرانی دارد، می‌تواند دغدغه جامعه‌شناسان ایرانی برای شناسایی بهتر جامعه ایرانی باشد. علاقه به پدران و مادران و عشق دیرین آنان به فرزندان که حاصل آن تربیت نسل‌های متعدد است در توجه به خانواده بی‌تأثیر نبوده است.

توجه به بحث در مورد خانواده ایرانی به زمانی برمی‌گردد که بسیاری از منتقدان فرهنگ و جامعه ایرانی و بعضی از اصحاب علم‌الاجتماع در ایران مشغول یافتن شاهد یا شواهدی بر ویرانی خانواده و فرهنگ و فروپاشی خانواده ایرانی بودند. جذابیت بحث فروپاشی خانواده، بسیاری از افراد و اینجانب را به تأمل در این زمینه واداشت. نتیجه مطالعه و تأمل من درباره تغییرات صورت گرفته به بهانه شناسایی راز و رمز فروپاشی خانواده ایرانی متفاوت از چیزی بود که دیگران روایت می‌کردند، یعنی به جای فروپاشی به تغییرات بنیادی در خانواده ایرانی رسیدم. این یافته برای من دردسر جدیدی را در پی داشت، چرا که به عنوان جامعه‌شناسی محافظه کار و گاهی به طور کنایه آمیزی متأثر از دیدگاه پارسنز، کارکردگرایی ساختی، معرفی شدم. به جای تبعیت از جریان رادیکال مدعی فروپاشی خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی که بیشتر امری سیاسی است تا اجتماعی به طرح مفهوم تغییر فرهنگی و اجتماعی خانواده با بیان شواهد پرداختم که در نهایت به مفهوم «بازسازی خانواده ایرانی» انجامید. زمانی که بحث از بحران اخلاقی و ارزشی بود، من از «اخلاقیات ایرانی» دفاع کردم. زمانی که بحث از «شکاف و انقطاع نسلی» بود، افراد را به

«پیوستگی نسلی» با فرماندهی نسل میانی و کارگزاری نسل سوم (نسل جوان) فراخواندم و حال که جریان فروپاشی خانواده مطرح است، از تغییرات و چالش‌های آن سخن می‌رانم.

بررسی خانواده ایرانی بدون درک جامعه جدید در قالب مفهوم «مدرنیته ایرانی» بی‌معنی است. جامعه ایرانی، خانواده ایرانی، تحولات و تغییرات آن، سابقه و تنگناها و مشکلات و چالش‌های آن به معنی واکاوی مدرنیته ایرانی از طریق خانواده در ایران است. اگر در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان از طریق تمرکز دانشمندان بر سازمان‌های جدید از قبیل کارگاه، کارخانه، صنعت، دانشگاه، دولت و حکومت توانایی شناسایی ماهیت مدرنیته و تحولات و تغییرات آن ممکن می‌شود، در ایران از طریق تأکید بر نظام اجتماعی سه پایه و سه محور (خانواده، دین و نظام سیاسی) می‌تواند صورت پذیرد. شاید از همه معین‌تر و روشن‌تر نظام خانوادگی است. زیرا در حیات ایرانی همه جا آثار و حضور خانواده ایرانی دیده می‌شود. زندگی ایرانی بدون خانواده امکان تحقق ندارد.

نکته مورد نظر در این کتاب در مقایسه با بسیاری مطالعات و کتاب‌های دیگری که در زمینه خانواده به نگارش درآمده است دوری گزیدن از نگاه آسیب‌شناختی نسبت به خانواده است. از منظر جمعیت‌شناسان، جامعه‌شناسان اجتماعی و سیاستمداران آسیب‌های اجتماعی معطوف به خانواده اهمیت بسیاری دارد. بدین لحاظ وقتی بحث از خانواده می‌شود، به طرح موضوعاتی چون طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، مشکلات ازدواج، خشونت علیه زنان، و غیره می‌پردازند و مشکلات و آسیب‌ها را در مطالعه خانواده

کانونی جلوه می‌دهند. در نتیجه، در این کتاب سعی شده است نگاه جامعه‌شناختی به خانواده ایرانی از نگاه آسیب‌شناختی متمایز شود. بدین سبب جایگاه خانواده در فرایند مدرنیته ایرانی بررسی خواهد شد. با اینکه بحث و بررسی در مورد خانواده در ایران از گذشته در میان متفکران و محققان اجتماعی مطرح بوده و در بسیاری از سفرنامه‌های مسافران و محققان و سیاستمداران خارجی در ایران از آن بحث و گفتگو شده است، اما اولین تحقیق جدی را مظاهری در زمان تنظیم رساله دکتری خود انجام داده است (مظاهری، 1373). این تحقیق به صورت کتاب به زبان فرانسه و فارسی چاپ شده است. با این همه، تحقیق و مطالعه در مورد خانواده ایرانی به طور منظم و علمی از سال 1337 و با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شروع شده و بیش از چهار دهه ادامه یافته است. توجه به خانواده در ایران به صورت علمی به تأسیس بخش تحقیقات جامعه‌شناسی خانواده، مرکز تحقیقات و مطالعات زنان و راه‌اندازی رشته مطالعات زنان و خانواده و چاپ مقاله‌ها و کتابهای بسیاری در این زمینه انجامیده است. هم اکنون چهار دانشگاه ایران در رشته‌های مطالعات خانواده و مطالعات زنان در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرد و بیش از 200 دانشجو در مقاطع متعدد مشغول تحصیل و تحقیق‌اند.

مطالعه خانواده در ایران از ابعاد گوناگون اهمیت دارد. آنچه ما در پی بیان آن هستیم، نحوه ساختن جامعه ایرانی از دریچه خانواده است. خانواده، نظام قبیله‌ای و خویشاوندی، دولت و دین در ایران به گونه‌ای خاص سامانده ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی هستند. بدین لحاظ باید از خانواده و جامعه ایرانی و تطور آنها با توجه به وضعیت دیگر نهادهای اجتماعی سخن به میان آید. خانواده، دین و دولت در ایران به عنوان کشوری کهن و تاریخی در ساختن یکدیگر نقش عمده‌ای داشته‌اند. تأکید بر نقش هر یک از این سه نهاد اجتماعی به معنای بی‌توجهی به دیگر نهادها نیست.

خانواده ایرانی طی مراحل متعددی دچار تحول شده است. آنچه امروز با عنوان خانواده می‌شناسیم، صورت کهن این نهاد در ایران نیست. از نگاهی کلی خانواده در مراحل اولیه همان جامعه ایرانی است و در مراحل میانی عامل ساختن دولت و جامعه و در مرحله جدید عامل ساختن انسان جدید است.

مسائل عمده مورد توجه در این کتاب عبارت‌اند از: سابقه و تحولات تاریخی خانواده طی دوره‌های متعدد، تغییرات خانواده، نسل و خانواده، ازدواج و تغییرات آن، چالش‌ها و مشکلات سر راه خانواده از قبیل طلاق و فروپاشی. ضمن بررسی اجمالی وضعیت خانواده در ایران به لحاظ تاریخی، به مشخصات و تغییرات ایجاد شده در آن نیز توجه خواهد شد. در بررسی تغییرات خانواده در ایران در پی پاسخ این سؤال هستیم که آیا تغییرات ایجاد شده در خانواده به معنای فروپاشی است یا خیر؟